

Original Article

Characteristics of an Ideal Physician from the Perspective of Iranian Muslim Doctors

Mahmoud Akbari¹, Ahmad Ashrafi^{2*}, Mohammad Nabi Salim³

1. Ph.D. Student of Islamic History, Department of History , Humanities Sciences College, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

2. Asistance Professor, Department of History, Humanities Sciences College, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Corresponding Author) Email: A.ashrafi1343@yahoo.com

3. Asistance Professor, Department of history, Humanities Sciences College, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

Received: 18 Feb 2019 Accepted: 25 May 2019

Abstract

Background and Aim: One of the first sciences that attracted and expanded the attention of Muslims was medicine, since medical science deals with the lives and souls of human beings and in most human civilizations, was of dignity and importance. It was considered a sacred profession; it was expected that physicians would combine moral fitness with professional ability. The history of medicine in Iran and Islam testifies that medical ethics has always been the focus of successful, popular and renowned physicians. The purpose of this study is to introduce the true indicators of an idealized physician and sample from the perspective of a number of prominent and respected Islamic Iran monks in the early Islamic centuries.

Materials and Methods: This article is a descriptive-analytical one and with the help of library resources, a case study of medical books of five Iranian companions of the third to fifth centuries AH, namely: Ibn Raben Tabari, Zakaria Razi, Magusi Ahvazi, Bu Ali Sina and Hakim Jorjani examines the criteria of the sample physician.

Ethical Considerations: When referring to the texts, honesty and trustworthiness, reference to the texts used avoidance of bias in deducing the texts or analysis is observed.

Findings: The results of this study show that the practice of ethical and professional principles of medicine among Iranian Muslim physicians is considered as the most important attribute and condition for medical practitioners. God, trust, tolerance, preservation of medical secrets, goodwill, hope, patient communication and good behavior, religious conviction and so on have been emphasized and recommended.

Conclusion: Doctors, also known as sages, historically emphasize the following principles: Good physician attitudes and their impact on patient care, presence on the sick bed and respect for him, observance of piety and religiosity, avoidance of corruption, etc. As a condition of ethical culture they have insisted on medical science. The results show that the two principles of ethics and conscience, as well as medical specialty, have been a common theme of most Iranian and Muslim monks in the middle ages of Islamic Iran.

Keywords: Medical Ethics; Muslim Physicians; Standards; Iran; 9-11 Centuries A.D.

Please cite this article as: Akbari M, Ashrafi A, Salim MN. Characteristics of an Ideal Physician from the Perspective of Iranian Muslim Doctors. *Med Hist J* 2019; 11(39): 63-72.

مقاله پژوهشی

شاخصه‌های پزشک نمونه از نگاه اطبای مسلمان ایرانی

محمود اکبری^۱، احمد اشرفی^{۲*}، محمدنبی سلیم^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: A.ashrafi1343@yahoo.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۴

چکیده

زمینه و هدف: یکی از نخستین علومی که توجه مسلمانان را به خود جلب کرد و گسترش یافت، طب بود، از آنجا که دانش پزشکی با جان و روان انسان‌ها سر و کار دارد، در بیشتر تمدن‌های بشری، از منزلت و اهمیت خاصی برخوردار بوده و به عنوان یک حرفه مقدس بدان نگریده می‌شد؛ انتظار آن بود که اطبا، آراستگی اخلاقی را با توانمندی حرفه‌ای درهم آمیزند. تاریخ طب در ایران و اسلام گواه آن است که اخلاق پزشکی، همواره مورد توجه و سرلوحه کار پزشکان موفق، مردمی و نامدار بوده است. پژوهش حاضر با هدف معرفی شاخص‌های راستین یک پزشک آرمانی و نمونه از منظر تعدادی از اطبای بلندآوازه و معتبر ایران اسلامی در قرون نخستین اسلامی، کوشیده تا اصول اخلاقی اطبای سلف را مورد کنکاش قرار دهد.

مواد و روش‌ها: مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و به یاری منابع کتابخانه‌ای، با بررسی موردی کتاب‌های طب پنج تن از اطبای ایرانی سده‌های سوم تا پنجم قمری، به نام‌های ابن ربن طبری، زکریای رازی، مجوسی اهوازی، بوعلی سینا و حکیم جرجانی، معیارهای طبیب نمونه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی: در مراجعه به متون، صداقت و امانتداری، استناد به متون مورد استفاده، پرهیز از جانبداری در استنباط از متون یا تحلیل‌ها رعایت شده است.

یافته‌ها: نتیجه تحقیق گواه آن است که نزد پزشکان ایرانی مسلمان رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در امر طبابت به عنوان مهم‌ترین خصیصه و شرط لازم برای اطبا مطرح بوده و بر این اساس در آثار طبیبی این پزشکان، ویژگی‌هایی چون ارتباط و یاد خدا، توکل، بردباری، حفظ اسرار پزشکی، خوش خلقی، امیدبخشی، ارتباط و رفتار مناسب با بیمار، اعتقاد راسخ دینی و... مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. **نتیجه‌گیری:** پزشکانی که در تاریخ به آن‌ها حکیم نیز گفته می‌شده است، بر اصولی چون حسن برخورد پزشک و تأثیر آن در معالجه بیمار، حضور بر بالین مریض و احترام به او، رعایت تقوا و دینداری، پرهیز از فساد و... به عنوان شروط فرهنگ اخلاقی در علم پزشکی اصرار داشته‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دو اصل اخلاق و وجدان و نیز تخصص پزشکی، وجه اشتراک اکثر اطبای ایرانی و مسلمان در سده‌های میانی تاریخ ایران اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی؛ اطبای مسلمان؛ معیارها؛ ایران؛ قرون ۳ تا ۵ قمری

مقدمه

پزشکی به مثابه نوعی عبادت و خدمت، شایسته افراد خیراندیش و نوع‌دوستی است که می‌کوشند تا سلامت و آسایش روحی و جسمی بشر را تأمین کنند. طبابت به عنوان یکی از فنونی که هم با جسم انسان و هم روان او ارتباط دارد، هیچ‌گاه از محتوی اخلاقی تهی نبوده و تقوای اخلاقی و مهارت در طب، همواره دو رکن لازم یک پزشک حاذق و مہذب به شمار می‌آمده است. با توجه به این مسأله، سؤال اصلی این است که یک پزشک نمونه و راستین باید چه خصیصه و ویژگی داشته باشد؟ نیز باید پرسید که اطباء سرشناس گذشته، شرط اول طبیب‌بودن را داشتن اخلاق نیکو می‌دانستند یا تخصص کافی در طب؟

این پژوهش با استفاده از روش مطالعات نظری، فرضیه‌ای را مطرح کرده است، مبتنی بر این که «از دیدگاه اطباء نامدار ایرانی دوران درخشان تمدن اسلامی، معیارهای بایسته یک طبیب واقعی و نمونه، در التزامات اخلاقی مشخصی نهفته بود» ملاک‌هایی که طبیب مسلمان و ایرانی را به درستی، شایسته نام حکیم می‌نمود. این حقیقت را با توجه به آرای اطبایی که حکمت و معرفت می‌دانسته‌اند، می‌توان دریافت.

در باب پیشینه تحقیق، باید گفت که هرچند درباره اخلاق پزشکی تحقیقات زیادی انجام شده، اما پژوهشی که بتواند نگرش اطباء نامدار و نمونه به معیارهای یک طبیب نمونه را مورد بررسی قرار دهد، جز با اشاراتی اندک، وجود ندارد. محمود طباطبایی در مقاله‌ای با عنوان «برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمد بن زکریای رازی» که در سال ۱۳۸۷ در مجله اخلاق و تاریخ پزشکی چاپ شده، معیارهای اخلاقی رازی را در سه بخش عمده ذکر نموده است: ۱- رعایت موازین اخلاقی در پرداختن به حرفه پزشکی؛ ۲- رعایت موازین اخلاقی در امور پژوهشی؛ ۳- رعایت موازین اخلاقی در امور درمانی. همچنین علی احسان حیدری و همکاران او در مقاله‌ای با نام «مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون بوعلی سینا» منتشره به سال ۱۳۹۱ در مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، با بررسی کتاب قانون، تنها به ویژگی‌های اخلاقی

شخص ابن سینا در علم طب پرداخته و صرفاً کتاب قانون را سرشار از توصیه‌های اخلاق پزشکی دانسته‌اند.

نگرش پیشینیان به طبابت

ظاهراً بقراط اولین طبیب سرشناسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب قسم‌نامه با طبابت درآمیخت و به عبارتی بزرگ‌ترین سهم بقراط در زمینه پزشکی، اعتقاد او به اصول اخلاقی بود که سوگندنامه معروفش برگرفته از آن است (۱). این در حالی است که بر اساس شواهد تاریخی، پیشینه پزشکی در ایران به دوران قبل از بقراط برمی‌گردد (۲). طب در ایران قدمتی بس طولانی دارد و از همان دوران کهن امر طبابت با دیانت همراه بوده است، در آیین زرتشتی بخشی از کار طبابت به موبدان تعلق داشته و روحانیون زرتشتی کار طبابت را انجام می‌داده‌اند. در ایران باستان قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت در اوستا وجود دارد. چنین به نظر می‌رسد، زمانی که ایران دارای یک تشکیلات طبی بود سایر ممالک فاقد چنین تشکیلاتی بودند (۳). در فصل ۱۵۷ از کتاب سوم دینکرد که طولانی‌ترین فصل این نوشته ارزشمند به شمار می‌رود و هم‌چنانکه از واژه‌های نخست آن پیداست، به پزشکی اختصاص دارد، تقسیم پزشکی به انواع گوناگون و ویژگی‌ها و خصوصیات پزشک و آزمودن پزشک پیش از آغاز به کار و پیشه‌ای که پزشکی بدان تعلق دارد و رفتار شایسته پزشک با مردم و بالعکس آمده است (۴).

در کتاب اوستا به طور مفصل درباره شرایط ایده‌آل پزشک بحث شده است. در واقع بنا به اصول زردشتیان مهم‌ترین و اساسی‌ترین شرط پرداختن به پزشکی این بود که شخص، علم پزشکی را دقیقاً فرا گرفته باشد، او می‌بایست فردی باشد اهل مطالعه، خوش حافظه، علاقمند به حرفه پزشکی و با اندوخته تجربی فراوان (۲). او باید بتواند به دقت بیماران را معاینه کند و اعضای بدن و مفاصل را بشناسد و اطلاعاتی نیز درباره ادویه (داروها) داشته باشد. محبوب و شیرین‌سخن باشد و با رنجوران از روی شکیبایی و مهربانی رفتار کند (۵) و برای پول و نفع مادی کار نکند و از خداترسان باشد (۲). در نزد ایرانیان باستان علاوه بر تبحر پزشک در درمان بیمار، می‌بایست دارای

سجایای اخلاقی و ویژگی یک پزشک راستین را داشته باشد، اعمالی چون سقط جنین، بارداری نامشروع و خطاهای پزشکی پذیرفته نبود (۶).

در آثار مکتوب ایرانیان در عصر باستان و دوره اسلامی می‌توان مطالب زیادی را در باب وظایف و مسؤولیت اخلاقی و وجدانی اطبا به دست آورد، حتی در متون ادب فارسی هم به این مهم پرداخته شده است، برای نمونه نظامی در اثر مشهورش با نام چهار مقاله ویژگی پزشک را این‌گونه بیان می‌کند: «... اما طبیب باید که رقیق‌الخلق، حکیم‌النفس و جید‌الحدس باشد... و هر طبیب که شرف انسان نشناسد، رقیق‌الخلق نبود و تا منطق نداند، حکیم‌النفس نبود و تا مؤید به تأیید الهی نبود، جید‌الحدس نبود و هر که جید‌الحدس نبود، به معرفت علت نرسد» (۷).

در اسلام هم به خاطر نیاز جامعه به علم پزشکی، این علم و افرادی که به این کار اشتغال دارند، توجه بسیار شده، به عنوان مثال امام صادق (ع) به دو ویژگی مهم پزشک اشاره می‌کند: اول این‌که بصیر باشد و به علوم پزشکی زمان خود آگاه و آشنا بوده و فن طبابت و روش تشخیص بیماری و راه درمان آن آگاهی کامل داشته باشد؛ دوم این‌که پزشک باید از هر جهت مورد اعتماد بیمار و اطرافیانش باشد. به دانش و مهارت او، به دلسوزی و خیرخواهی، به ایمان و صداقت، به امانت و رازداری، به تقوا و مهربانی و خوش اخلاقی او اعتماد داشته باشد (۸).

اطبای ایرانی و سنجش جایگاه پزشک

۱- ابن ربن طبری

ابوالحسن علی بن سهل ربن طبری یا ابن ربان، پزشک، داروشناس، طبیب و فیلسوف ایرانی سده سوم قمری بود. فردوس‌الحکمه اثر معروف ربن طبری، دائرةالمعارفی است طبی و یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین آثار جامع طب اسلامی و از نخستین کتاب‌های پزشکی است. ابن ربن در تألیف این کتاب از نظرات بقراط، جالینوس، ارسطو، ابن ماسویه، حنین بن اسحاق و رساله‌های هندی و دیگر آثار گذشتگان بهره برده است، این اثر در هفت نوع و سی مقاله

نگارش یافته و مقالات مزبور نیز مشتمل بر سیصد و شصت باب است. ابن ربن از نظر علمی چنان مقامی داشت که او را هم‌تراز رازی و مجوسی و ابن سینا و جزء یکی از چهار دانشمند و پزشک بزرگ مسلمان دانسته‌اند.

ابن ربن طبری در باب اول از نوع اول کتابش به استفاده از آثار حکمای مشهور و نیز ترجمه بحثی از کتاب‌های هندیان اشاره می‌کند و در ضمن آن، رفتار غیر اخلاقی برخی را که آثار دیگران را به خود نسبت می‌دهند، مورد نکوهش قرار می‌دهد (۹). امری که نشان از امانتداری وی می‌باشد.

او در فردوس‌الحکمه ویژگی‌های یک پزشک راستین را این‌گونه فهرست کرده است:

۱- معاینه دقیق بیمار و تشخیص نوع بیماری قبل از هرگونه اقدامات درمانی

۲- دقت لازم در تجویز دارو و متناسب با اوضاع بیمار .

۳- استفاده از ساده‌ترین، بهترین و آسان‌ترین روش برای درمان بیماری.

۴- استفاده از علم روان‌شناسی، یعنی جلوگیری از خبرهایی که از لحاظ روحی بر بیمار تأثیر بگذارد که موجب غم و خشم بیمار شود که این امر باعث تعلل و طولانی‌شدن درمان می‌شود. (۹)

۲- زکریای رازی

محمد بن زکریای رازی از معروف‌ترین شیمیدانان و طبیبان جهان اسلام است که در ۲۵۱ قمری در ری به دنیا آمد و در ۳۱۳ قمری در همان شهر وفات یافت. اروپاییان او را با نام‌های رازس و رازی می‌شناسند. ابن ندیم درباره ویژگی‌های اخلاقی وی گوید: «وی بخشنده، نیکوکار، مهربان و برای مردم پرفایده بود. با فقرا و بیماران به مهربانی رفتار می‌نمود، از آنان مراقبت می‌کرد و برایشان مقرری بسیار قرار داده بود» (۱۰).

برای آشنایی با ویژگی یک پزشک نمونه و راستین از منظر رازی، در میان آثارش در حوزه علم طب، الحاوی فی الطب، المنصوری فی الطب و اخلاق‌الطبیب را انتخاب نموده و مورد بررسی قرار می‌دهیم:

رازی در کتاب الحاوی که معروف‌ترین و بزرگ‌ترین اثر در علم پزشکی که در بیست و سه جلد منتشر شده، در خلال

- در موارد دشوار خصوصاً بیماری‌هایی که تشخیص آن سخت است، از افراد کارآزموده و پزشکیانی که در این زمینه تجربه بیشتری دارند، استفاده کند و در نهایت بهترین تصمیم را برای درمان فرد بگیرد.

- باید به وسیله یک دارو، چند بیماری یا نشانه بیماری را درمان کند و برای هر نشانه، نیازمند به کاربردن داروی جداگانه‌ای نباشد و چنانچه داروی مورد نظرش در روستاها و مناطق دورافتاده پیدا نشود، باید توانایی استفاده از داروهای جایگزین را داشته باشد (۱۲).

المنصوری یکی دیگر از آثار معروف و با ارزش رازی در علم پزشکی است، اما بیان ویژگی طبیب نمونه در این کتاب به فراوانی آنچه که در الحاوی آمده است، نمی‌باشد. در اینجا رازی درباره ویژگی‌های شخصیتی پزشک، تنها به آگاهی و بصیرت وی به علم پزشکی و مهارتش در عمل تأکید می‌نماید و بر این باور است که از درمان ناقص و ناتمام خودداری کند و برای شناسایی پزشک شایسته از پزشک نالایق، بررسی زندگی گذشته پزشک را ضروری می‌داند که چگونه اوقاتش را سپری کرده است، آیا به دنبال مطالعه و بررسی آثار پزشکان گذشته رفته یا به دنبال لالابالی‌گری و میگساری بوده است.

رازی، پزشکی را فاضل و دانشمند می‌داند که آثار پزشکان و فیلسوفان پیشین را بررسی کرده و می‌تواند آرا و نظریات آن‌ها را نقد کند، در نگاه او، پزشکی که آثار گذشتگان را بررسی کرده، به مانند کسی است که تمامی آن دوران را پشت سر گذاشته و از پیشرفت‌های آن‌ها باخبر است (۱۱). رازی در مقاله ششم در بخش درمان انگستانی که بر اثر سرمازدگی گوشت آن سیاه و فاسد شده است، به معالجه پزشکان نادانی اشاره می‌کند که درمان ناآگاهانه‌ایی دارند و در ادامه چنین بیان می‌کند که برای انجام چنین کاری به یک پزشک دانشمند، مهربان و نرم خو نیازمند است (۱۳).

رازی در پایان مقاله هفتم به نیرنگ‌های گوناگون پزشک نمایانی، اشاره می‌کند که عوام را برای متاع دنیا فریب می‌دهند و بی‌مهابا موجبات آزار و ناراحتی و مرگ بسیاری از آنان را فراهم می‌نمایند. او گرمی بازار این شیادان آسیب‌رسان به مال و جان بیماران را، در نتیجه ساده‌انگاری و عدم ظن

ارائه روش‌های درمانی، به نکاتی درباره ویژگی اطبا اشاره نموده است. بخشی از توصیه‌های وی ناظر به ویژگی‌های شخصیتی پزشک و بخش دیگر مربوط به روابط بین پزشک و بیمار است. دغدغه اصلی رازی در حرفه پزشکی، کاهش و از بین بردن رنج و درد و بازگرداندن سلامتی به فرد بیمار می‌باشد، او به استفاده از روش‌های درمانی متناسب با بیماری فرد و دقت در تجویز داروها و در مواردی که مراقبت بیشتر پزشک و کادر درمانی را می‌طلبد، اشاره کرده تا بیمار، سلامتی از دست‌رفته خودش را بازیابد.

درباره سیره عملی رازی این‌گونه نقل می‌کنند که وی به درمان بینوایان بیش از توانگران تمایل داشت، بر بالین آنان حاضر می‌شد و به درمانشان می‌شتافت و مقرری‌های کلانی به ایشان می‌پرداخت (۱۰).

رازی در جزء بیست و سوم الحاوی ذیل عنوان «فی محنة الطیب و تعنیه» به نکاتی در اخلاق پزشکی اشاره نموده که بیانگر ویژگی شخصیتی پزشک است. بنا به نظر رازی پزشک باید پاکیزگی و آراستگی ظاهری را رعایت کند، گشاده‌رو و خوش‌گفتار بوده و از تندخویی، خشونت و شتابزدگی در امر طبابت خودداری کند. پزشک باید در کارش مهارت لازم (یعنی به پختگی کامل برسد) را به واسطه مطالعه فراوان، تجربه به واسطه حاضرشدن بر بالین بیمار و استفاده از فکر و نظر یا مشورت با پزشکان کارآزموده به دست آورده، زبان نرم و اخلاق و رفتار نیکو داشته و با بیماران با مهربانی رفتار کند، رازدار و امانتدار باشد، یعنی از افشای راز بیمار خودداری کند (۱۱).

محمود طباطبایی که خلاصه‌ایی سه جلدی از الحاوی رازی را به زبان فارسی منتشر کرده است، در جلد اول، معیارهای پزشک شاخص را در پانزده بند بیان می‌کند که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- در امر طبابت از علم و دانش اطبای کارآزموده و توانا استفاده شود.

- دانش نظری پزشک باید همراه با تجربیات بالینی باشد، یعنی حضور بر بالین بیمار تا تجربه کسب گردد تا پزشک در کار خود ماهر شود.

افراد فهمیده به اعمال و رفتار آنان می‌داند، زیرا اگر افراد دانا با بدبینی، کار آنان را پیگیری نمایند، دروغشان آشکار خواهد شد. از دیدگاه رازی، درمان ناقص و ناتمام بیماری و یا طولانی کردن دوره درمان که آگاهانه با اهداف سودجویانه انجام شود، با اصل امانتداری نسبت به جان و مال بیمار و عدم درمان بیمار که مهم‌ترین آن است، سازگاری ندارد (۱۳). ورود و نفوذ شیادان پزشک‌نما در جامعه خطر بزرگی است که علاوه بر این که مال و جان بیمار را تهدید می‌کند، شرافت و قداست حرفه پزشکی را از بین خواهد برد و بدین خاطر مقابله با آن ضروری است (۱۴).

این طبیب نامدار در رساله‌ایی که خطاب به یکی از شاگردانش نوشته و به نام «اخلاق‌الطیب» معروف است، توصیه‌هایی ارائه می‌کند که نحوه ارتباط پزشک و بیمار را بیان می‌دارد، از جمله:

۱- نخستین توصیه مراقبت از نفس و پرهیز از خوشگذرانی و تأکید بر مطالعه کتاب و کسب آمادگی در حرفه پزشکی است.

۲- توصیه بعدی، امانتداری یا حفظ اسرار بیمار و پرهیز از افشای آن است.

۳- عفاف و چشم پاک‌داشتن به هنگام معاینه و درمان بیماران زن، وی به سخنانی از جالینوس در این باب به شاگردش استناد می‌کند که گفته بود: پزشک باید برای خدا پاک و خالص باشد و از زنان و زیبارویان چشم فرو بندد و از دست‌زدن به جایی از بدن آن پرهیز نماید.

۴- خودداری از تکبر و فخرفروشی به دیگران، رازی در اینجا هم به سخن جالینوس استناد می‌کند که «من برخی از پزشکان را دیده‌ام هنگامی که به دستگاه پادشاهان راه یافته‌اند، نسبت به توده مردم فخرفروشی کرده و از درمان آنان امتناع کرده‌اند».

۵- پزشک باید تهی‌دستان را به مانند توانگران درمان نماید.

۶- باید پزشک از تکبر و خودپسندی به دور باشد و طبیب متکبر در کارش موفق و پایدار نخواهد بود.

۷- خودداری پزشک از نزدیک‌شدن به داروهای سمی و کشنده.

۸- از باده‌نوشی بپرهیزد، چراکه میگزساری موجب از بین‌رفتن هوشیاری می‌شود و پزشک در حال مستی، دچار خطا در درمان و تجویز می‌شود و به بیمار آسیب می‌رساند و از چشم دیگران می‌افتد.

۹- و سرانجام، یکی دیگر از خصایص شخصیتی پزشک، تواضع و فروتنی است، چراکه فروتنی و اخلاق گشاده و زبان خوش و پرهیز از خشونت و تندخویی عامل کامیابی پزشک خواهد شد. (۱۴)

۳- مجوسی اهوازی

علی بن عباس مجوسی اهوازی (د: ۳۸۴ ق.) از پزشکان سرشناس ایرانی است که کتاب کامل الصناعة الطبیه، معروف به طب ملکی (کتاب شاهانه پزشکی) یا کُنَاشِ مَلِکی، را به عربی در رشته پزشکی نوشته است. او کتاب خود را به نام پادشاه آل بویه عضالدوله فناخسرو (۳۷۲-۳۳۸ ق.) تألیف نمود (۱۵). بنا به قول یک پژوهنده معاصر، مجوسی یکی از سه پزشک بزرگ و نام‌آور حوزه خلافت شرقی بود که خدمت به سزایی به طب اسلامی و دنیای پزشکی نموده است (۱۶).

کتاب طب‌الملکی شامل دو بخش می‌باشد، بخش اول در طب نظری و بخش دیگر در طب عملی و مجموعاً بیست مقاله را دربر می‌گیرد (۱۷)؛ نویسنده در باب دوم از مقاله نخست، به بیان سوگندنامه بقراط و دیگر پزشکان متقدم می‌پردازد، از این رو این باب به پندنامه اهوازی مشهور می‌باشد. در واقع پندنامه اهوازی توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی مجوسی اهوازی در حرفه پزشکی است، لیکن با توجه به نگرش اعتقادی نویسنده، مواردی از سوگندنامه بقراط را حذف و مواردی بر آن اضافه کرده، من جمله این که «پزشک باید در درمان بیماران حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش در درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب را در نظر دارد... از مردمان پست و سفله مانع شوید که این علم شریف را فرا گیرند.» همچنین افزوده است: «حلیم و پاک‌چشم و مهربان و خیررسان و خوش‌زبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد بکوشد، در فکر

حذف کرده است، از جمله موارد افزوده می‌توان به لزوم اهمیت آموزش بالینی، مطالعه مداوم کتب پزشکی، پرهیز از لهو و لعب و نوشیدن شراب، توجه جدی به درمان فقرا و مسکینان، خداپرستی و خوش‌زبان‌بودن اشاره کرد (۱۹).

۴- ابن سینا

ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق.)، دانشمند نامدار ایرانی است که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پزشکان، فیلسوفان و دانشوران تاریخ شناخته می‌شود. او را به حق می‌توان حکیم خواند، شخصیتی متعهد و ذوفنون که در علوم عقلی و نقلی، توأمان تبحر و بداعت داشت. ابن سینا را پدر علم نوین پزشکی نیز می‌نامند. او حدود ۴۵۰ کتاب و مقاله دارد که ۲۴۰ فقره از آن‌ها حفظ شده‌اند. از این میان، ۱۵۰ کتاب در حوزه فلسفه و ۴۰ کتاب در علم پزشکی هستند و مشهورترین اثر، کتاب قانون است که دایره‌المعارف علوم پزشکی بایدش خواند.

هرچند ابن سینا، به طور مشخص و مجزا، بخشی از کتاب قانون را به اخلاق پزشکی اختصاص نداده است، اما در لا به لای مطالب کتاب، به مسائل اخلاقی پرداخته و انسان را محور اصلی فعالیت‌های پزشکی قرار داده است. او اولین شرط لازم برای طبابت را آگاهی و تسلط و اشراف پزشک بر علم طب و بخش‌های مختلف آن، اعم از تشخیص، درمان، پیش‌آگهی، پیشگیری و توان‌بخشی دانسته است. معیاری که به واسطه آن، طبیب می‌کوشد تا آسیب و ضرری به بیمار نرسد.

به بیان ابن سینا، ابتدایی‌ترین ویژگی که از پزشک انتظار می‌رود، آن است که در دیدار با بیمار، بهترین عملکرد را در درمان بیماری و جراحات داشته باشد و بیمار را در قانون توجه قرار دهد تا وی به خاطر بیماری، در حاشیه قرار نگیرد. درباره آگاهی و مهارت طبیب در امر جراحی معتقد است: «طبییبی که اندام بیمار را جراحی می‌کند، باید به علم تشریح آگاهی داشته باشد، تشریح اعصاب، وریدها و شریان‌ها را بداند تا مرتکب خطا نشود و چیزی را قطع نکند که منجر به مرگ شود» (۲۰). همچنین اشاره دارد که «پزشک باید درباره عناصر، مزاج‌ها، اخلاط، اندام‌های ساده و مرکب، روح و روان، قوای طبیعی، حیوانی و نفسانی، کنش‌ها، حالات تندرستی و

سود و اجر از این دسته نبوده، بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه خود به آن‌ها دهد و اگر این کار ممکن نگردد، به درمان آن‌ها پرداخته، شب و روز به بالینشان حاضر شود، خصوصاً اگر بیماری آن‌ها حاد و تند باشد، چراکه بیماری‌های حاد زود دگرگونی و تغییر پیدا کنند» (۱۸).

اهوازی در ابتدای پندنامه خود پزشکان را به پرستش خدای رحمان و اطاعت از او دعوت نموده و از اطباء می‌خواهد که احترام اساتید خود را به مانند والدینشان به جا آورند و از سبیری‌ناپذیربودن و احساس خستگی نکردن از مطالعه کتاب و آموزش کامل به دانشجویانی که استعداد بالایی دارند، دریغ نورزند و مانع آموزش افراد فرصت طلب و مادی‌گرا شوند، زیرا این افراد باعث از بین رفتن حیثیت و شرافت این علم می‌شوند. او بر آن است که باید، پزشک با یک تجویز درست دارویی یا غذایی، بیمار را درمان نماید و هدف از درمان مادیات نباشد و از تجویز و معرفی داروهای خطرناک خودداری نماید، خصوصاً داروهای سقط جنین. پزشک باید رازدار باشد تا بیمار، او را محرم اسرار خود بداند و درمانش آسان‌تر گردد. پزشک عقیف بوده و از نگاه بد نسبت به زنان باید بپرهیزد و فقط برای درمان آن‌ها به خانه‌هایشان برود. از خوردن شراب خودداری نماید، چون که عقل را زائل می‌کند و باعث عدم تشخیص درست در مداوای بیمار می‌شود. طبیب باید در درمان افراد فقیر کوشش نماید و آن‌ها را به طور رایگان درمان نموده، حتی در صورت امکان داروها را از پول خویش بخرد و برای درمان مسکینان، شب و روز بر بالین ایشان حاضر شود.

در حقیقت، اهوازی در ترجمه سوگندنامه بقراط، عالی‌ترین نوع اقتباس و بهترین اصلاح ممکن را انجام داده است که با توجه به اوضاع آن روزگار، در نوع خود اقدامی اصولی و ارزنده است و از احاطه کامل اهوازی به فلسفه اجتماعی، اصول اخلاقی و متون پزشکی آن دوران حکایت می‌کند. در مقایسه بین سوگندنامه بقراط و پندنامه اهوازی متوجه می‌شویم که این دو سوگندنامه با هم چه تفاوت‌هایی دارند. اهوازی باذوق و سلیقه خود و با احترام به دستورهای دین اسلام و با در نظرگرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی عصر خود، اصولی را به سوگندنامه بقراط افزوده یا در برخی موارد نکاتی را از آن

بیماری، عوامل محیطی، مواد خوراکی و آشامیدنی و درمان، اطلاعات کامل و تسلط علمی و عملی داشته باشد و با توجه به اقتضای حرفه‌اش، به منظور حفظ بهبودی و معالجه رضایت بخش بیماری، باید برخی از این امور را به تنهایی، به تصور علمی خود، درک کند و به مشاهده خود چنین اعتقاد پیدا کند که نتیجه‌گیری وی از طرف یکی از علمای طبیعی، پذیرفته شده است و درباره برخی دیگر از این امور باید به وسیله حرفه خود، دلیلی بر وجود آن حالت داشته باشد» (۲۰).

بوعلی تجویز مواد مخدر را زمانی لازم می‌داند که اجبار به این کار باشد و از پزشک می‌خواهد تا با حزم و احتیاط این کار را انجام دهد تا برای بیمار اثر منفی نداشته باشد و شاهد می‌آورد که: «من کسی را دیدم که بر اثر استعمال شیاف افیون جان سپرد» (۲۱). نیز در منع بارداری زنان، توصیه دارد که وقتی بارداری برای سلامتی زن خطرآفرین باشد، دستور سقط جنین صادر شود (۲۱). در بحث پیرامون معالجه بیماری‌های عمومی، درمان سریع بیماری‌های خطرناک و عدم تأخیر در مداوا را مورد تأکید قرار داده (۲۰) و مراقبت و تحت نظر داشتن بیمار در دوره نقاهت تا زمان سلامتی کامل بیمار را تجویز می‌نماید (۲۰).

در مقاله سوم از فن پنجم در کتاب قانون، در درمان شکستگی دنده، تشخیص اولیه، عجول نبودن و وقت گذاشتن برای درمان بیمار را بسیار ضروری می‌داند (۲۰) و بر انتخاب بهترین روش برای درمان و تسکین درد تأکید می‌ورزد (۲۰). همچنین در بحث مربوط به معالجه بیماری‌های سر و مغز، نسبت به استفاده دارو، با توجه به شرایط جسمی بیمار، اصرار دارد که دارو به گونه‌ای تجویز شود که به دور از هر گونه اشتباه، باعث بهبود و درمان بیمار شود نه منجر به مرگ وی شود (۲۰).

در کل، از مباحث گوناگون مطرح‌شده در کتاب قانون، می‌توان چنین برداشت کرد که ابن سینا در برخورد با بیماران، اصل را بر دانایی، آگاهی و تبصر پزشک بر شناخت و درمان بیماری، حفظ کرامت انسان به مثابه مخلوق خداوند و به کارگیری روشی شناخته شده و آزموده که کم‌ترین آسیب را

به بیمار برساند، قرار داده است، هرچند پورسینا در کتاب قانون، مستقیماً به پیام‌های اخلاقی اشاره ندارد، و نصایح اخلاقی او نسبت به آثار پزشکان متقدمی چون مجوسی اهوازی و زکریای رازی زیاد نیست، اما توصیه‌های خردمندانه و اخلاق‌مدارانه او که مبتنی بر اعتقاد وی به آموزه‌های اخلاقی و فضیلت پزشکی است، به اشکال مختلف در این اثر نمود پیدا می‌کند. توصیه‌های این حکیم فرزانه، عمدتاً بر پایه دستورالعمل‌های او در تجویز دارو و درمان بیماری‌ها بیان شده است.

۵- حکیم جرجانی

سیداسماعیل جرجانی در سال ۴۳۴ قمری در گرگان زاده شد و پس از آموزش طب در زادگاه خود، برای افزایش معلومات، رنج سفر را به جان خرید و در سال ۵۰۴ رهسپار خوارزم شد و در دربار قطب‌الدین خوارزمشاه (۵۲۲-۴۹۰ ق.) که محل تجمع فضلا و دانشمندان بود، حضور یافت. جرجانی در اولین سال حضور در خوارزم، تدوین کتاب سترگ خود، به نام «ذخیره خوارزمشاهی» را که مشتمل بر ۷۵۰ هزار اصطلاح مرتبط با علم پزشکی بود، به اتمام رساند.

اهمیت آثار سیداسماعیل جرجانی در این است که پس از گذشت چند قرن که مجموعه‌های بزرگ پزشکی همچون کامل‌الصناعة مجوسی اهوازی و الحاوی و المنصوری زکریای رازی و قانون ابن سینا به زبان عربی در دسترس جویندگان علم پزشکی بود، آثار جرجانی به زبان فارسی نگارش یافت و آنان که عربی نمی‌دانستند، به آسانی توانستند از آثار وی بهره‌مند گردند.

اما کتاب ذخیره خوارزمشاهی، مشتمل بر مطالبی از تألیفات ربن طبری، رازی، اهوازی، ابن سینا و دیگر اطباء سلف است که تا اواسط قرن پنجم تألیف شده و جرجانی از آن‌ها استفاده فراوانی برده و تمام تلاش او بر این بوده که به شیوه‌ای نگارش یابد که در خور فهم فارسی زبانان آن روز اعم از خاص و عام باشد و نیازهای طبی و بهداشتی عموم را تأمین نماید (۲۱).

از آنجا که جرجانی تحت تأثیر عمیق دین و عرفان اسلامی بود، بدین‌خاطر تأثیر ایمان به اراده و مشیت الهی در حد اعلی

تخصص لازم در امر طبابت. وجه اشتراک این پزشکان قبول ارکانی چون درمان بیمار و داشتن تخصص بوده است، اما وجه افتراق آن‌ها در این بود که کدام اصل، اخلاق یا تخصص، را به عنوان نخستین اولویت خود قرار دهند و آن را به عنوان اصل اساسی در طبابت به حساب آوردند.

۳- کنکاش در آثار طبایی چون ابن ربن طبری، حکیم جرجانی و ابن سینا گواه آن است که برخی از این طبیبان، گرچه به اخلاق پزشکی اهتمام داشتند، اما اصل اساسی در طبابت را تخصص می‌دانستند، چنانکه ابن سینا در کتاب قانون خود، در تعامل با بیماران، اصل را بر دانایی، آگاهی و تبحر پزشک بر شناخت و درمان بیماری یا برخورداری از تخصص می‌داند، در حالی که طبیبانی چون زکریای رازی و مجوسی اهوازی، در کنار تخصص و دانایی، اخلاقیات را شاخصه اصلی یک پزشک راستین معرفی کرده‌اند.

۴- شاخصه‌های اخلاقی حکمای شاغل در امر طب، مبتنی بر اصولی چون شفقت و مهربانی، خوش‌خلقی، امانتداری، احسان، عدالت و توکل بوده است، البته چنین تعارضی در بین پزشکان را می‌توان از جنبه‌های جزئی‌تری چون محیط جغرافیایی، زیررشته تخصصی و نوع مخاطب طبای مسلمان ایرانی، مورد مدقه قرار داد که در اینجا مجال آن نیست.

شایسته است تا جامعه محترم پزشکان، بر مبنای آموزه‌های دین مبین اسلام، اصل اساسی طبابت و شاخصه یک پزشک متعهد، یعنی همسویی اخلاق و تخصص را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

نویسندگان از حمایت مالی هیچ مؤسسه‌ای برخوردار نبودند. همچنین این مقاله با منافع هیچ فرد و یا اشخاص حقیقی و حقوقی در تضاد نمی‌باشد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمامی صاحب‌نظرانی که با بیان پیشنهادها و نقطه‌نظرات سازنده خویش، نویسندگان را در اجرای این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر را داریم.

آن در آثار جرجانی دیده می‌شود (۲۲)، در نتیجه در باب نخست از گفتار نخستین ذخیره خوارزمشاهی، نویسنده وظیفه اصلی پزشک را حفظ سلامتی مردم و درمان بیماری آن می‌داند و مشخص کردن آن چیزی که برای بیمار سود یا زیان دارد (۲۳). در باب دوم از گفتار دوم بر آن است که طبیب باید مطالعات زیادی در علم تشریح و شناخت اندام داشته باشد تا به آسانی بیمار را درمان نماید (۲۳)، مثلاً در جراحی چشم یا در جراحی مثانه برای خارج کردن سنگ یا درمان مهره پشت نزدیک به نخاع که بر اثر عفونت سیاه شده بود، استفاده از شیوه درمان مناسب جهت جلوگیری از آسیب به بیمار و کاهش درد و رنج او توصیه کرده است (۲۳)، به مانند طبای سلف، بر این نظر است که پزشک باید برای جلوگیری از خطا و ایجاد درد و رنج برای بیمار، بعد از معاینه دقیق و تشخیص علت بیماری، درمان اصلی و مورد نظرش را آغاز نماید، لذا از عوامل موفقیت پزشک در تشخیص و درمان بیماری‌ها، فراوانی دانش و مهارت او در درمان بیماران است (۲۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به نمونه‌گیری و نقد محتوایی دیدگاه‌های چند تن از اطباء نام آور و تأثیرگذاری که نام و کارنامه ایشان در تاریخ طب ایرانی - اسلامی از اهمیت و شهرت بسیار برخوردار است، مشخص می‌شود که:

۱- حکیمان و اطباء ایرانی در لابلای مطالب تخصصی، از توجه به اخلاق پزشکی غافل نبوده و ارزش ویژه‌ای برای این جنبه از حرفه خود قائل بودند، به ویژه نگرش طبایی که آثارشان در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، گواهی می‌دهد که هرچند اکثریت آن‌ها تحت تأثیر آرا و افکار پزشکان یونانی خصوصاً بقراط و جالینوس بودند، اما در پیروی راستین از عقائد اسلام و پایبندی به ارزش‌های شاخص در یک انسان موحد و اخلاق‌گرای مسلمان، ثابت‌قدم و متعهد بوده و توصیه‌هایی در همین راستا ارائه می‌نموده‌اند.

۲- بررسی گزینشی و موردی آثار طبای نامدار ایرانی از سده سوم تا پنجم نشان می‌دهد که همه آن‌ها بر دو اصل اساسی تأکید داشتند: اصل اول اخلاق و وجدان و اصل دوم

References

1. Mohaddess A. History of medicine in Bouyid period. Tabriz: Ahrar; 1998. p.57. [Persian]
2. Algood C. Medical History of Iran and the Land of the Eastern Caliphate. Translated by Fergani BA, Rouhani MH. Tehran: Amir Kabir; 2008. p.23-25. [Persian]
3. Mali M. History of Medical Ethics in Ancient Iran. Translated by Forouhar M. Tehran: Elmi Farhangi; 2009. p.488. [Persian]
4. Dostkhah J. Avesta. Tehran: Pearl; 1991. p.25. [Persian]
5. Kristensen A. Iran in the Sassanid Period. Translated by Yasemi R. Tehran: Book World; 2001. p.552. [Persian]
6. Miandari H. Medical Ethics in the Mirror of Islam, Abstract of the First International Congress of Medical Ethics. Tehran: Medical Ethics Research and Research Center; 1998. p.156. [Persian]
7. Mohaghegh M. Collection of Texts and Articles in Medical History and Ethics in Islam and Iran. Tehran: Soroush; 1995. p.310. [Persian]
8. Amini E. The value of the physician and his heavy responsibility in Medical Ethics in the Mirror of Islam. Tehran: Medical Ethics Research and Research Center; 1994. Vol.2 p.94. [Persian]
9. Rabbin Tabari A. Ferdows al-Hikmah fi-Teb. Edited by Zubir al-Sadiqi M. Berlin: Aftab; 1928. p.128-132. [Arabic]
10. Ibn Nadim M. Al-Fehrest. Translated by Tajadrad MR. Tehran: Asatir and the International Center for the Intervention of Civilizations; 1988. Vol.1 pp.57-416. [Persian]
11. Razi M. Al-Hawi. Translated by Tabatabai M. Mashhad: Mashhad University of Medical Sciences; 2011. p.78. [Persian]
12. Algood C. Iranian Medical History. Translated by Javidan M. Tehran: Iqbal Press; 1352. p.89. [Persian]
13. Al-Razi M. Al-Mansouri fi Tebb. Achievement of Hazem al-Bakri al-Sadiq. Kuwait: Publications of the Arab Manuscripts Institute Arab Organization for Education, Technology and Science; 1987. p.290-294. [Arabic]
14. Al-Razi M. Akhlag al-Tabib. Research by Mohammed al-Abd AT. Cairo: Dar al-Thrash School; 1977. p.16-336. [Arabic]
15. Brown E. Islamic Medicine. Translated by Rajabnia M. Tehran: Book Publishing and Publishing Company; 1965. p.88. [Persian]
16. Sarton G. Introduction to the History of Science. Translated by Sadri Afshar GH-H. Tehran: Amir Kabir; 1979. Vol.1 p.3. [Persian]
17. Najmabadi M. History of Medicine in Iran. Tehran: Honarbakhsh; 1341. p.445. [Persian]
18. Al-Ahwazi A. Kamel al-Sina al-Tebbiye. Institute of Rehabilitation of Natural Medicine. Qom: Jalaluddin Publicatios; 2008. Vol.2 p.1-20. [Arabic]
19. Ahmadzadeh A. Medical History of Jundishapur. In *MJAUMS Ahvaz* 1992. 1(7): 11-27. [Persian]
20. Abu Ali Sina. Ghanoon fi teb. Translated by Sharafkandi A. Tehran: Soroush; 1991. Vol.1 p.331-380; Vol.2 p.34; Vol.3 p.260-584; Vol.4 p.51-52. [Persian]
21. Qefti J. Tarikh al-Hokama. Translated by Darabi B. Tehran: Daneshgah Tehran; 1371. p.157. [Persian]
22. Gorjani S. Zakhireh Kharazmshahi. Corrected and Analysised by Moharrari MR. Tehran: Iran Academy of Medical Sciences; 2001. Vol.2 p.25-26. [Persian]
23. Gorjani S. Zakhireh kharazmshahi. Efforted by Sirjani S. Tehran: Iran Cultural Foundation; 1977. Vol.1 p.3; Vol.2 p.170; Vol.4 p.3; Vol.6 p.334-529. [Persian]